

هشتمین سمینار مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی فرانسه (CERI) پنجشنبه مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۴ در محل مؤسسه فرانسوی برگزار شد. موضوع این سمینار اختصاص به بررسی اوضاع افغانستان پس از حضور آمریکا در این کشور انتخاب شده بود. در ابتدا دکتر قاسم‌زاده، مشاور وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به معرفی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و انتشارات و اهداف آن پرداخت. خانم فریبا عادلخواه، محقق مؤسسه CERI نیز در جلسه افتتاحیه سخنانی در خصوص معرفی شرکت‌کنندگان و چگونگی جلسه ارائه داد. آقای جان شوبرلین، مدیر مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه هاروارد، اولین سخنران جلسه بود که تحت عنوان «آسیای میانه، فردای مداخله آمریکا در افغانستان» سخن گفت. وی دورنمای همکاری کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را بدینانه قلمداد نمود و گفت: «مداخله آمریکا در افغانستان دارای جهات مثبتی بوده است که از آن میان می‌توان به همکاری روسیه و آمریکا در جهت منافع مشترک خود و نیز همکاری ایران و آمریکا و کاهش تنش در رابطه ایران و آمریکا نسبت به افغانستان بوده است. نقطه مثبت دیگر این مداخله آن بوده که عوامل بی‌ثباتی در افغانستان تحت کنترل درآمده‌اند و لذا همسایگان افغانستان نیز کمتر در اثر عوامل بی‌ثبات‌کننده متأثر می‌شوند. همچنین در اثر مداخله آمریکا در افغانستان تغییرات بنیادین تازه‌ای در معادلات منطقه‌ای به‌وقوع پیوسته است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- حضور نظامی غیرمحسوس آمریکا در افغانستان؛

- افزایش همکاری آمریکا و پاکستان؛

- حضور آمریکا در گرجستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و اخیراً در عراق و ایجاد حصار در پیرامون ایران؛ در واقع آمریکا همواره بر این باور بوده است که در آسیای میانه و قفقاز و کشورهای جدا شده از شوروی سابق حضوری فعال داشته باشد و ۱۱ سپتامبر به تسریع تحقق این استراتژی انجامیده است. حضور آمریکا در افغانستان موجب ثبات است و چنانچه نیروهای آمریکایی افغانستان را ترک نمایند بی ثباتی و بی نظمی به وجود خواهد آمد. کشورهای منطقه نیز عموماً حضور آمریکا در افغانستان را مثبت ارزیابی می کنند به طوری که: افغانستان وابسته به این حضور است و عملاً دولت کرزای بدون مداخله آمریکایی ها نمی تواند هیچ اقدامی انجام دهد و لذا در تلاش است تا آمریکا را برای حضور در افغانستان راضی و متقاعد نگهدارد. ازبکستان و قزاقستان نیز پس از جدایی از شوروی دارای آمال منطقه ای هستند و حضور آمریکا این آمال را تقویت نموده است، به طوری که ازبکستان به سختی از این حضور حمایت می نماید. حتی قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ازبکستان خواستار ایجاد رابطه ویژه با آمریکا بود و در تلاش بود که اسرائیل آسیای مرکزی باشد و آمریکا نیز ازبکستان را بسیار قابل اعتماد می داند و از ازبکستان حمایت می نماید. چنین وضعیتی، رابطه با روسیه را برای ازبکستان مشکل می نماید چرا که ازبکستان همزمان دارای یک موافقتنامه همکاری امنیتی با روسیه می باشد. همین موضوع آمال ازبکستان در رهبری منطقه را به ظهور می رساند، به طوری که ازبکستان در رابطه با همسایگان خود نیز رژیم سختی را برگزیده و همین امر باعث شده که تجارت بازرگانان تاجیکی با بازرگانان ازبک عملاً غیرممکن شده است و ازبکستان همواره مداخله در این کشور را بر سر می پرورانیده است.

تاجیکستان و قرقیزستان بسیار ضعیف و کوچکند و وضعیت داخلی بد و رشد اقتصادی اندکی دارند و لذا به رابطه با آمریکا اهمیت بسزایی قائلند و حتی پایگاههایی در اختیار آمریکا قرار داده اند. تاجیکستان در رقابت با حضور ازبکستان از حضور روسیه و آمریکا در منطقه حمایت می نماید. در چنین فضای رقابت آمیزی، موافقتنامه گمرکی بین کشورهای آسیای میانه و قفقاز به وجود آمده است و اگرچه همکاری کشورهای این منطقه منافع همه آنها را تأمین

می‌کند لکن میزان کارآمدی این موافقتنامه تا حد زیادی به قدرتهای خارجی وابسته است. در این میان افغانستان نیز دارای نقش می‌باشد به طوری که می‌تواند در افزایش تجارت در منطقه مؤثر باشد. اگرچه افغانستان دارای منابع خاصی نیست لکن حداقل به عنوان یک همسایه می‌تواند راه ترانزیتی مناسبی باشد و لذا کشورهای شمال با استفاده از کریدور ایران و افغانستان از اتکای به روسیه برای ترانزیت رهایی خواهند یافت». وی در مورد آثار منفی مداخله آمریکا در افغانستان گفت: «توجیه مداخله آمریکا، مبارزه با تروریسم و در واقع توجیهی اخلاقی بوده است و در راستای مبارزه با وضعیتهای نامناسب و ایجاد وضعیت و شرایط مطلوب در افغانستان صورت پذیرفته است. این عامل در استراتژی آمریکا چنان است که جهان را بین خوب و بد تقسیم می‌نماید و آمریکا را در قالب این تئوری پیوسته در مسیر جنگ با بدی‌ها قرار می‌دهد. صرف‌نظر از این که تفسیر از خوبی و بدی چه باشد، در قالب این استراتژی نیز اتحادهای جدیدی تعریف و شکل می‌گیرند که از آن میان می‌توان به وضعیت ازبکستان اشاره کرد به گونه‌ای که ازبکستان ده سال گذشته را در اندیشه نزدیکی به آمریکا گذرانیده بود به یک باره پس از ۱۱ سپتامبر سریعاً در این زمینه پیشرفت نموده است. در این میان نوع برخورد آمریکا با ایران در منطقه از مباحثی بوده که در نوع همکاری کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با ایران ایجاد تردید کرده است و بنابراین از آثار منفی تقسیم دنیا به خوبی و بدی که امروزه تصور مسلط بر دنیا است، کاهش سطح همکاری‌ها در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده است و کشورها به‌رغم آن که از آثار مثبت همکاری سازنده در این منطقه مطلع می‌باشند لکن چنین نوعی از همکاری در این منطقه دیده نمی‌شود».

سخنران بعدی این سمینار دکتر قاسم‌زاده بود که سخنرانی خود را تحت عنوان «نیازهای افغانستان امروز» بیان داشت. وی با اشاره به کتاب آقای وان راتر در خصوص افغانستان، از این کشور به سرزمین سوخته و فراموش شده یاد کرد و اضافه نمود: تهاجم‌های مرزی و کشتارهای قومی و طایفه‌ای، با تاریخ افغانستان عجین است و جغرافیای سیاسی آن با مسیر حوادث تعریف شده و شکل گرفته است و افغانی بیش از آن که «افغانستان» را بشناسد و از طریق یک هویت ملی به آن وابسته باشد افغانی بودن و هویت خویش را در تعریف قومی خود از

پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، بلوچ‌ها، قزلباش‌ها، ترکمن‌ها و ... می‌شناسد. لذا اولین و اساسی‌ترین نیاز امروز افغانستان دستیابی به هویت ملی است. امروزه، طرح‌های بسیاری برای بازسازی افغانستان مطرح می‌شود و چتر حمایتی آمریکا نیز برای برقراری امنیت توصیه می‌شود. اولویتهای اقتصادی توسط صندوق بین‌المللی پول و نهادهای بین‌المللی ترسیم می‌شود. UNIDO بخش صنعتی افغانستان را طرح‌ریزی می‌کند و UNDP بخش توسعه انسانی را طرح‌ریزی می‌کند و اجرای تمام مراحل را NGOها برعهده دارند و سؤال اصلی در این میان آن است که بازیگر اصلی کیست؟ و آیا چنین ساختاری امکان ادامه حیات دارد؟ و به فرض آن که جواب مثبت باشد مهمترین اشکال آن است که در چنین پروسه‌ای دولت - ملت شکل نمی‌گیرد.

دومین نیاز امروز افغانستان، نیازهای اقتصادی و معیشتی مردم است، به طوری که در اثر جنگ ترکیب جمعیتی افغانستان که روزگاری ۸۵٪ آن در بخشهای کشاورزی و مشاغل مربوط به آن مشغول به کار بودند به هم ریخته و دگرگون شده است و افغانستان به مرکز تولید موادمخدر، مبدل شده است و آینده‌ای برای صنعتی شدن آن متصور نیست. در این میان موارد ذیل برای رفع نیازهای افغانستان ضروری است:

- زمینه‌سازی مناسب برای تغییر و تحول از تعریف قومی به هویت ملی؛
- امنیت فراگیر و پایدار؛
- آموزش و شغل؛

- تشویق به آینده‌نگری مثبت و سازنده از طریق نگاه انسانی به افغانستان برای طراحی

یک توسعه همه‌جانبه.

سخنران بعدی این سمینار آقای اولیویه روالیو محقق CERi بود که تحت عنوان: «بازگشت طالبان و نقش پاکستان» سخنانی را بیان داشت وی گفت: تصور عمومی پاکستان پس از ژنرال ضیاءالحق در خصوص افغانستان تغییر نکرده و ثابت مانده است و اتفاقی که پس از ۱۱ سپتامبر افتاده است تطبیق با فضای بین‌المللی و ایجاد رابطه خوب با آمریکا بوده است. در این راستا پاکستان همواره به دنبال یک دولت دوست در کابل بوده است. وی گفت که پاکستان از پشتونها

در افغانستان حمایت می‌کند و برای این حمایت دلایل زیادی دارد که از آن قبیل می‌توان به جمعیت زیاد پشتون‌ها در پاکستان و نفوذ آنها در پست‌های امنیتی و ارتش پاکستان اشاره کرد. وی اضافه کرد که حل مشکل افغانستان از دیدگاه پاکستان با مشکل کشمیر گره خورده است به گونه‌ای که پاکستان معتقد است که اگر در کشمیر صلح نباشد در افغانستان نیز صلح وجود نخواهد داشت. وی گفت: «در میان مردم پاکستان، بسیاری از گروه‌طالبان حمایت می‌نمایند و حتی بسیاری از مردم پیشاور حامی طالبان بوده و برای دفاع از آنها داوطلب شدند لکن مشکل پاکستان، آن است که نمی‌تواند مخالف آمریکا باشد و لذا سیاست بازی دوگانه را در پیش گرفته است و آمریکا نیز به این امر و قوف کامل دارد. وی مشروعیت کرزای در افغانستان را پایین ارزیابی کرد و گفت که کرزای نمی‌تواند این مشروعیت را حداقل تا دو سال بهبود ببخشد زیرا توان مالی و اقتصادی ندارد با این وجود آلترناتیو دیگری نیز برای او قابل تصور نیست وی اضافه کرد که برای آمریکا، افغانستان اولویت نیست و آمریکایی‌ها اهمیتی به افغانستان نمی‌دهند و فقط به دنبال اسامه بن لادن هستند. اولویت اصلی آمریکایی‌ها، موضوع عراق است و به همین دلیل هرگز مایل نیستند که در پاکستان یا افغانستان به مشکل جدی برخورد نمایند».

سخنران بعدی همایش آقای علی حاج جعفری، رئیس مرکز مطالعات اروپا و آمریکای دفتر مطالعات بود که در خصوص مشترکات اتحادیه اروپا و ایران در موضوع افغانستان سخن گفت. وی با اشاره به کلیدی بودن عامل افغانستان در ایجاد ثبات در شبه قاره و نیز حادثه ۱۱ سپتامبر و مبارزه علیه تروریسم، به تفسیر آمریکا از واقعه ۱۱ سپتامبر و جایگاه خود پرداخت و سه زمینه مشترک بین ایران و اتحادیه اروپا در خصوص افغانستان را مهم ارزیابی کرد که عبارتند از:

الف) کمک به تحقق چندجانبه‌گرایی از طریق همکاری ایران و اتحادیه؛

ب) توجه به این واقعیت که مفهوم امنیت بسیار وسیعتر از آن است که با قدرت نظامی قابل دستیابی و حصول باشد و سایر عوامل نیز بایستی مدنظر قرار گیرد؛

ج) چالشهای اصلی مشترک ایران و اتحادیه اروپا، که در این راستا ایران می‌تواند شریک قابل اعتمادی برای اتحادیه در مقابله با این چالش‌ها باشد.

آقای ژیل دورونسرو، رئیس مؤسسه فرانسوی مطالعات آناتولی استانبول، سخنران بعدی بود که در خصوص شکست مداخله آمریکا در افغانستان سخن راند. وی گفت: «در ابتدای موفقیت آمریکا در افغانستان همگان خوشبین بودند که دوران طالبان به پایان رسیده است. در حالی که امروزه وضعیت بسیار بحرانی است». وی پس از بیان پیشینه تاریخی ایجاد طالبان گفت که آمریکا در ابتدا آلترناتیوی برای طالبان در افغانستان جستجو نمود و از ایجاد طالبان مدرن حمایت کرد و حمایت پاکستان را نیز داشت که حادثه ۱۱ سپتامبر ایجاد شد. وی گفت که امروزه سیستم حقوقی افغانستان در خصوص کار کردن زنان بسیار محافظه کار است و آمریکایی‌ها پس از فتح افغانستان دریافتند که هیچ ساختار تمدنی در افغانستان وجود ندارد و با مردمی مواجه شدند که فقط بلد بودند که بجنگند و از کوه بالا روند. لکن پس از مداخله آمریکا در این راستا تحول خاصی رخ نداد. وی ادامه داد که خبر بد آن است که امروز طالبان بسیار قوی است و حضور آنها در شهرهای مرزی پاکستان و افغانستان انکارناپذیر است و مشروعیت کرزای نیز پایین است. خلع سلاح کامل همه نیروها در افغانستان خطرناک است و نیازمند اعزام تعداد زیادی نیرو است که به جنگ داخلی دامن خواهد زد و آمریکایی‌ها علاقه‌ای به گسترش بحران در افغانستان ندارند و به‌راستی می‌توان گفت که افغانستان کشوری فراموش شده است و تنها راه حل بهبود اوضاع آن است که شرایطی را فراهم ساخت که خود افغانها بتوانند کشور خود را بسازند.

سخنران بعدی آقای میرمحمود موسوی، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در هند و پاکستان بود که در خصوص آثار مداخله آمریکا در افغانستان سخن گفت. وی با اشاره به رقابت تاریخی آمریکا و شوروی در افغانستان، به مراحل شکل‌گیری طالبان اشاره کرد و گفت که سالها پیش که طالبان در حال ظهور بود، در جلسه‌ای که در سازمان ملل تشکیل شده بود، رامسفلد خواستار شناسایی گروه طالبان شد که جمهوری اسلامی ایران با این قضیه مخالف بود، لکن پس از ۱۱ سپتامبر دولت بوش تصمیم به تغییر دولت کابل گرفت. البته آمریکایی‌ها در ابتدا خواستار تحویل بن لادن شدند که وقتی جواب رد شنیدند در این مسیر حرکت نمودند. وی با اشاره به صحبت‌های آقای اولیویه روآگفت که با این نظر موافق نیست که حل بحران افغانستان در گرو حل بحران کشمیر باشد و اضافه کرد دولت پاکستان تحت فشار آمریکا تصمیم به همکاری گرفته

است؛ لکن این امر توسط دولتهای دیگر پاکستان ادامه نخواهد یافت چرا که سازمان اطلاعاتی پاکستان را نمی‌توان یک روزه تغییر داد و نقش ارتش پاکستان بسیار مهم است به طوری که یکی از رهبران ISI می‌گفت: اولویت با ماست زیرا هنوز بحران کشمیر زنده است. همچنین پاکستان با مشکلات خاص خود روبروست؛ هند قدرتمند است و دوستی خوبی با آمریکا دارد و هر روز این رابطه بهتر می‌شود و اسرائیل نیز به این معادله اضافه شده و این بر گرفتاری‌های پاکستان افزوده است. از سوی دیگر، ارتباط نزدیکی بین سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان و طالبان وجود دارد. از باور هند این گروه رادیکال خطر بزرگی برای منطقه هستند و این چهره پاکستان را تضعیف نموده است. وی افزود: آمریکا مداخله کرد تا مشکل خود را حل کند و مشکلات را در افغانستان رها کرد و اکنون در حل این بحران، پول و کمک‌های مالی کافی نیست و بایستی همه تلاش نمایند تا مشکلات قومی افغانستان حل شود.

سخنران دیگر همایش دکتر سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز بود که تمرکز خود را بر وضعیت داخلی افغانستان معطوف داشت. وی گفت: «ده روز است که از افغانستان آمده است و به نقل از مردم افغانستان، وضعیت سیاسی آن کشور را به یک «بزرگشی سیاسی» تعبیر نمود به گونه‌ای که یک بازی خشن در جریان است و کسی نمی‌داند که چه اتفاقی می‌افتد و حوادث چگونه رقم می‌خورد».

وی گفت: «عده دیگری از مردم بر این باورند که اتفاق خاصی رخ نداده است و عده‌ای می‌گویند که پروژه BFD (بمب، غذا و توسعه) در حال انجام است و لذا در افغانستان امروز جنبه‌های خوش‌بینانه و بدبینانه را می‌توان در کنار هم یافت. یکی جنبه خوشبینانه در افغانستان امر سازندگی است، به طوری که مثلاً در هرات یک خیابان بدون بازسازی نمی‌توان یافت. جهت مثبت دیگر بازگشت ۳ میلیون نفر از آوارگان افغانی است و امروز کابل با دو میلیون نفر جمعیت، شهر پُرترددی است. جنبه مثبت دیگر آن است که مردم افغانستان به آینده خوشبین هستند لکن مشکل دارند. مهمترین مشکل آنها، مشکل امنیت است. مردم می‌گویند مزیت طالبان آن بود که امنیت را به ارمغان آورده بودند و لذا امنیت پیش زمینه ثبات و بازسازی در افغانستان است. وی گفت که بزرگترین امتیاز افغانستان روح امید مردم و خوشبینی به آینده

است و بایستی به این مردم کمک کرد تا در جهت بازسازی و سازندگی حرکت نمایند و با برقراری امنیت از ظهور طالبان جلوگیری نمایند» وی گفت: برخی می‌گویند: «طالبان هستند و خواهند آمد؛ این تاریخ ماست که با جنگ و صلح آمیخته است و پیچیدگی افغانستان در این است».

آخرین سخنران اولیویه روآ بود که به جمع‌بندی مباحث همایش پرداخت. وی گفت: «در افغانستان مدیریت سیاسی آمریکا غائب است و اگر چه شاید این امر خوب است که «بر مری» در افغانستان موجود نیست لکن باید پذیرفت که از نقطه نظر سیاسی - نظامی نوعی گسستگی در افغانستان وجود دارد. در افغانستان، نظامیان آمریکایی با طالبان می‌جنگند ولی با مباحث سیاسی کاری ندارند و مثلاً سفیر آمریکا در افغانستان نفوذ چندانی ندارد و آمریکا مشارکت سیاسی چندانی ندارد» وی حضور ناتو را عامل مثبتی برشمرد و گفت: «ناتو زمینه‌ای مناسب است و ناتو بایستی از نقطه نظر سیاسی نیز وارد عمل شود. امتیاز ناتو آن است که ارگانی سیاسی نیز می‌باشد و بایستی یک رهیافت سیاسی نیز در افغانستان اتخاذ نماید در خصوص همکاری ایران و اتحادیه اروپا در افغانستان، و اینجاست که پارادوکس همکاری ایران و ناتو مطرح می‌شود و سؤال آن است که ایران به عنوان یک همسایه تأثیرگذار در افغانستان چگونه با ناتو همکاری نماید؟» وی افزود: «در اروپا اجماعی برای رهبری بحران افغانستان وجود ندارد و لذا آلترناتیوی برای رهبری آمریکا در افغانستان وجود ندارد. همچنانکه آلترناتیوی برای کرزای وجود ندارد. افغانستان در حال فراموش شدن است و ساختارها و نهادهای سیاسی در این کشور به وجود نیامده است».

در مورد همکاری ایران و اتحادیه اروپا همچنین ذکر شد تا زمانی که این دو بخواهند با مشترکات خود در افغانستان مشکلات خود را حل نمایند، نتیجه‌ای حاصل نمی‌آید و برای حل مشکل افغانستان بایستی فقط مشکلات افغانستان را مدنظر قرار داد. اگرچه زنان در افغانستان وضعیت مناسبی ندارند لکن در وضعیت کنونی اولویتهای دیگری چون ایجاد امنیت، تأسیس ارتش ملی، مبارزه با فقر، آموزش و فراهم آوردن غذا، از اولویتهای افغانستان امروز است.

علی نسیم‌فر

نماینده مطالعاتی در سفارت جمهوری اسلامی ایران - پاریس